

# خاطراتِ هرکجا

فرهاد طاهری

www.ketab.ir



نشر ایش

۱۴۰۲



سرشناسه: طاهری، فرهاد، ۱۳۴۸-

عنوان و نام پدیدآور: خاطرات هرکجا/ فرهاد طاهری.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات اریش، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۲-۳۸۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: طاهری، فرهاد، ۱۳۴۸-

موضوع: خاطرات ایرانی -- قرن ۱۵

Iranian diaries -- 21st century

معلمان -- ایران -- خاطرات

Teachers -- Iran -- Diaries

رده‌بندی کنگره: CT ۱۸۸۸

رده‌بندی دیویی: ۹۲۰/۰۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۵۹۹۷۸



نشر ایش

## خاطرات هرکجا

فرهاد طاهری

ویراستار فنی و نسخه‌پرداز: زهرا نقی‌زاده

طراح جلد: حسین زریاب خویی

صفحه‌آرا: امید مقدس

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: قشقایی

چاپ نخست: ۱۴۰۲

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۲-۳۸-۵

بها: ۱۷۰ هزار تومان

این اثر تحت حمایت قانون مؤلفان و مصنفان قرار دارد. هرگونه کپی‌برداری از کتاب به‌هر شکل بدون اجازه کتبی ناشر پیگرد قانونی دارد. کلیه حقوق کتاب متعلق به ناشر است.

[www.arishpublication.com](http://www.arishpublication.com)



@arishpublication



@arishpub

## فهرست مطالب

|          |                                          |
|----------|------------------------------------------|
| ۹.....   | مقدمه                                    |
| ۱۳.....  | نادانشجوی کلاس استاد شفیعی کدکنی         |
| ۱۷.....  | کتابفروشی تاریخ                          |
| ۲۰.....  | حکایتی از آن حکیم                        |
| ۲۶.....  | دکمه شلوار میرزا علی اصغر خان حکمت       |
| ۲۹.....  | حکایت «شهید» استاد باستانی پاریزی        |
| ۳۱.....  | دو قرن سکوت زویاب                        |
| ۳۶.....  | از مدیران تا مدیران فرق هاست             |
| ۴۶.....  | آب در خوابگاه مورچگان                    |
| ۵۲.....  | در دیار هندوان                           |
| ۶۷.....  | شفیعی کدکنی و ادب آموزی آن کودک ارمنی    |
| ۷۳.....  | لوطی دانشکده                             |
| ۷۸.....  | روزهای دیار روزها                        |
| ۸۶.....  | استاد ابوالحسن نجفی به روایت روزنوشته‌ها |
| ۸۹.....  | اختلاس دکتر محمد حسن گنجی                |
| ۹۲.....  | استاد کدکنی و نثر جناب اثابکی            |
| ۹۶.....  | از خودت هم کمی بگیر                      |
| ۹۹.....  | بختم برگشت                               |
| ۱۰۳..... | فرق میان من و شما؟                       |
| ۱۰۸..... | سوز مناجات ذبیحی و سوزناکی اشک مادر بزرگ |
| ۱۱۰..... | نجار شاهنامه خوان                        |
| ۱۱۴..... | میراث دار باوفای اسباب کتابت و دبیری     |

|     |                                                                        |
|-----|------------------------------------------------------------------------|
| ۱۲۰ | شب‌گذرانی در میانهٔ چملی‌گلی و کرفتو                                   |
| ۱۲۶ | استاد عبدالحمید آیتی و سفارش پاچه و بناگوش در قنادی                    |
| ۱۳۰ | خزان نیمهٔ جهان                                                        |
| ۱۴۰ | استاد فروتن عرفان و هنرپیشهٔ بی‌ایمان                                  |
| ۱۴۲ | دو صد گفته چون نیم‌کردار نیست                                          |
| ۱۴۷ | از پی «پیگیری‌ها»                                                      |
| ۱۵۱ | نمک‌شناسی و وقاحت در تاریخ‌نگاری                                       |
| ۱۵۴ | از اخبار داخلهٔ مگوی عالم ایران و اسلام!                               |
| ۱۵۷ | یاد دبیر دیرین ادبیات ایران                                            |
| ۱۶۵ | دیدار با دبیر                                                          |
| ۱۷۳ | بدرود با دبیر قزوین                                                    |
| ۱۷۵ | عالی‌خانی و دیوان دور حکمرانی پدر                                      |
| ۱۸۲ | ذیلی بر خاطرهٔ «عالی‌خانی و دیوان دور حکمرانی پدر»                     |
| ۱۸۵ | دیدار مقام منبع کتابخانهٔ معظم ملی با سوکار علیّه از بلاد خارجهٔ جاپان |
| ۱۹۰ | غروب «اشراقی» از تاریخ                                                 |
| ۱۹۶ | رفته‌های پُر حضور                                                      |
| ۲۰۴ | غم یاد‌های طهوری                                                       |
| ۲۱۰ | عابد کوی دانشگاه                                                       |
| ۲۲۴ | استاد عالی‌جاء خوش حافظهٔ شرور و شنگ                                   |
| ۲۳۴ | خانهٔ نادر دوست                                                        |
| ۲۴۲ | سوک «سرو» خانهٔ پُر خاطرهٔ پدری                                        |

## مقدمه

خاطرات هرکجا گزیده‌ای است از نوشته‌هایم در نوع ادبی خاطره‌نگاری که بیشتر آن را در طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ به قلم آورده‌ام. بعضی از این نوشته‌ها، در مجلات و رسانه‌ها و در صفحه فیس‌بوکم، با ویرایش و در نظر گرفتن ملاحظات که به حذف جملات یا عبارات و بندهایی بسیار انجامیده بود، پیش‌تر نیز منتشر شده است. در این کتاب، البته روایت اصلی و بی حذف آن نوشته‌ها به انضمام خاطراتی دیگر که تاکنون هرگز منتشر نشده، مجال انتشار یافته است. در واقع تلم مطالب این کتاب که براساس تاریخ تدوین و نگارش فصل‌ها نیز مرتب شده، اولین بار است که تقدیم خوانندگان می‌شود.

نکته بعدی که شاید ذکرش خالی از لطف نباشد، درباره عمر واقعی خاطره‌نویسی من است. بی‌تردید بسی بیشتر از سال‌هایی که مطالب این کتاب بر کاغذ آمده، از عمر خاطره‌نگاری من گذشته است. خاطره‌نگاری در ذهنیت و زندگانی‌ام، دیرسال و سنتی دیرین نیز در خانواده‌ام بوده است. در زادگاهم (تاکستان) از تنها خانواده‌ای هستم که دو نسل پیشش، نویسنده و اهل خاطره‌نویسی بوده‌اند. پدر بزرگ، زنده‌یاد میرزا علی محمد طاهری، خاطرات روزگار سخت زندگی و دوران معلمی خود را، از سال‌های پایانی دوره قاجار تا نیمه عصر پهلوی (از ۱۲۹۳ تا ۱۳۳۴ ش) با عنوان خاطرات یک نفر آموزگار به قلم آورده و پدرم نیز خاطرات کودکی و دوران تحصیل

خود را از ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۳ در کتاب نشانی از تاک‌نشان نوشته است.<sup>۱</sup> من هم از دوران دانش‌آموزی در سال اول دبیرستان، خاطرات خود را از سفرهایی که تنها به قزوین یا تهران یا به اتفاق خانواده به اصفهان می‌رفتم، می‌نوشتم. مفصل‌ترین این دست‌نوشته‌هایم نیز (در حدود ۵۰ صفحه دست‌نوشته) سفرنامه‌ای است با عنوان «سفری و نظری به اصفهان» که در سال دوم دبیرستان نوشته‌ام و نسخه‌ای از آن را از قضا همین چند وقت پیش یافتم و امیدوارم روزی بتوانم بدون هر ویرایش یا بی‌کمترین «کاستن و افزودنی» آن را منتشر کنم. در دوران خدمت سربازی نیز که بیشتر آن در زمان جنگ و در خوزستان و کردستان گذشت، عمده‌ترین مشغله و علاقه‌ام در کنار کتابخوانی‌های پیوسته در شب‌های چادر و سنگر، نوشتن خاطرات روزانه بود. همچنین «خاطره‌نویس» یگان نظامی محل خدمت و عهده‌دار منصب شریف «نیابت‌التحریر» دوستان هم‌رمز بودم که از زبان و بیان آنان، خاطرات و دلتنگی‌هایشان را برای خانواده‌های این دوستان می‌نوشتم. بخش بیشتر نامه‌هایی هم که خطاب به زنده‌یاد پدر فرهیخته و شاعرم، یا دیگر اعضای خانواده و بعضی معلمان خود، می‌نوشتم، غالباً رنگ و بوی خاطره‌نگاری داشت.

در دوران دانشجویی‌ام، خصوصاً سال‌های اول و دوم، کمتر می‌نوشتم؛ شاید مهم‌ترین دلیل آن، تأمل بیشترم در آثار نویسندگانی چون زنده‌یاد دکتر اسلامی ندوشن و سعید نفیسی بود که در نوع ادبی خاطره‌نگاری بسیار شیفته و مسحور قلمشان شدم. همین شیفتگی هم تا حدّ بسیار قلم مرا در خاطره‌نگاری کندتر کرد. البته بعدها از آن کندی، بسیار کاسته شد و دوباره به راه افتادم. از سیزده سال گذشته تاکنون هم، هر روز خاطرات شایسته نوشتن و وقایع مهم فرهنگی و اجتماعی زمانه را که خود شاهد بلاواسطه آن بوده‌ام، به

۱. خاطرات یک نفر آموزگار در مجموعه آثار زنده‌یاد میرزاعلی‌محمد طاهری با عنوان دیرینه‌یادگار به کوشش نویسنده این سطور، آماده انتشار است و نشانی از تاک‌نشان هم با تعلیقات و پیشگفتاری از نویسنده در سال ۱۳۹۹ و به همت نشر سپهر خرد، منتشر شده است.

قلم آورده‌ام. عنوان این یادداشت‌های روزانه‌ام «روزنامه خاطرات فرهاد میرزا معترض الدوله» است که گاه به‌مناسبت یا ضرورتی، برگ‌هایی از آن را منتشر کرده‌ام. از آن روزنامه خاطرات هم برگ‌هایی در این کتاب آمده است.

در این مقدمه بنا ندارم درباره جنبه‌های تاریخی، فرهنگی، ادبی و اجتماعی خاطره‌نویسی و اهمیت این نوع ادبی، در تاریخ فرهنگ ایران معاصر سخن به قلم آورم. فکر کنم خوانندگانی که این نوع آثار را در مطالعه می‌گیرند یا علاقه‌مند «خاطره‌نگاشت‌ها» هستند، کم‌وبیش از ویژگی و اهمیت این قبیل نوشته‌ها آگاه‌اند، اما نکته‌ای که به‌نظرم درباره «خاطره‌نویسی و ثبت خاطرات شخصی و روزانه» از آن غفلت شده، تأثیر بسیارشگرفی است که ماهیت و نفس «خاطره‌نویسی» در رفتار اجتماعی و شخصی «خاطره‌نویس» و در طرز تلقی و نحوه تفکر او از ماجراهای جامعه و نوع مواجهه‌اش با قضایای اجتماعی یا شناخت دقیق‌تر انسان‌ها عاید او خواهد کرد. در «خاطره‌نویسی» رکن اصلی اندیشه و قلم، جزئی‌نگری است. پروراندن خوی «جزئی‌نگر» در زندگی، راه را بر بسیاری از خطاها و فریب‌ها خواهد بست. شاید ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی و اشتباهاتی که «فرد» یا «جامعه» در تشخیص صلاح‌دید «سرنوشت» خود دچارش می‌شود، در «ناجزئی‌نگری» باید جست. انسان یا جامعه «ناجزئی‌نگر» به هر وعده‌ای دلخوش و به هر سخنی امیدوار و هر قولی را پذیرا و چه‌بسا متحمل خسران و شکستی جبران‌ناپذیر نیز می‌شود. همچنین در «خاطره‌نویسی» این فرصت در اختیار «خاطره‌نویس» گذاشته خواهد شد تا روزها و دقائق رفته و ازکف‌داده را دوباره به محک نقد و بررسی زند. بدیهی است نتیجه چنین ارزیابی و تأملی از گذشته، فراوان به سود آینده تمام خواهد شد.

خاطرات هرکجا را من به دوستانی بسیار عزیز تقدیم کرده‌ام که در سخت‌ترین و تنهاترین روزهای کنج انزوا و خلوت و خانه‌نشینی‌ام در خانه

پرخاطره پدری در تاکستان، از محبت‌ها و مهرورزی‌های بی‌دریغشان، بسیاریان برخوردار بوده‌ام. شرح بزرگواری این بهترین و پاک‌نهادترین انسان‌های بزرگ روزگارم را که همواره با دستانی پر از شکوفه و لبخند و مهر به سراغم می‌آمدند یا درخانه‌هایی به وسعت تمام خوبی‌ها و زیبایی‌های عالم در آمل، تنکابن، تهران، رشت و کرج گرم پذیرایم بودند، در روزنامه خاطرات خود نوشته‌ام که روزی منتشر خواهد شد. از میان این دوستان، باید نام عزیز و گرامی استادم، زنده‌یاد علی پیرنیا را زینت‌بخش پایان این نوشته کنم. مردی که سرشار از خوبی‌ها و چهره پُر مهر و خانه‌ای که خود خانقاهش می‌نامید، همواره به رویم گشوده بود. یادش همیشه روشنم می‌دارد.

در سروسامان یافتن خاطرات هرکجا، دوستان و سروانی عزیز یاری‌ام کرده‌اند. طرح و تدوین جلد کتاب، به همت و لطف بی‌دریغ دوست بسیار گرانقدر و نازنینم، جناب آقای حسین زریاب خویی، جامه عمل پوشید. دوست آگاه و بسیار گرامی و عزیزم، سرکار خانم دکتر زهرا تقی‌زاده، مدیر نشر اریش، همت خود را به انتشار این کتاب مهذول داشت و بار گران نسخه‌پردازی اثری از نویسنده‌ای سختگیر و ویراستار با خوشرویی و خنده به عهده گرفت. حروف‌نگاری و صفحه‌پردازی کتاب، حاصل ذوق و هنر جناب آقای امید مقدس است و زحمت نمونه‌خوانی کتاب نیز، رنج چشمان سرکار خانم کوثر راهدان، دوستان عزیزم، منصوره کریمی و فاطمه طیبی، با لطف خود دست‌نویشت دو فصل از کتاب را تایپ و آماده حروف‌نگاری کردند. من به همه این عزیزان مدیونم و از آنان بسیار سپاسگزار.

فرهاد طاهری

تاکستان، ۱۴ خرداد ۱۴۰۲